

### حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

ای یاران روحانی و دوستان رحمانی در هر عهد مؤمن بسیار ولی ممتحن کمیاب حمد کنید خدا را که مؤمن ممتحنید و در سبیل ربّ مهیمن اسیر هر نوع آلام و محن گشتید در آتش امتحان مانند ذهب خالص رخ برافروختید و در نائره ظلم و جفای ستمکاران سوختید و ساختید و هر مؤمنی را رسم و آداب ثبوت و استقامت آموختید.

### عنوان: بلایا و امتحانات در سبیل الهی

#### قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- مناجات دوم
- ۳- ذکر دسته جمعی (یا الله المستغاث)
- ۴- لوح مبارک حضرت بهاءالله
- ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۶- لوح حضرت عبدالبهاء

#### قسمت اداری

- ۷- منتخباتی از توفیعات مبارکه حضرت ولی امرالله
- ۸- بخشی از دستخط بیت العدل اعظم الهی
- ۹- حکایت (این بلایا تا کی؟ / خاطرات جناب سمندری)
- ۱۰- شعر

۱۱- برنامه نوجوانان و نونهالان

۱۲- شور و مشورت

#### قسمت اجتماعی

۱۳- الفت و پذیرائی

۱۴- مناجات خاتمه

## ۱- مناجات شروع

به نام خداوند یکتا الهی کریم رحیم شهادت می‌دهم به وحدانیت و فردانیت تو و به این که از برای تو شبه و مثلی نبوده و نیست. جودت عالم وجود را موجود فرمود و کَرَمَتِ امم را به اسم اعظم راه نمود. بعضی به وسوس خناس از دریای رحمت محروم گشتند و برخی از تجلیات آفتاب حقیقت منور شدند. ای کریم از تو آمرزش قدیمت را می‌طلبم و رحمت عمیمت را می‌جویم. این عبد را حفظ نما از شُبُهَاتِ نفوسی که اعراض نموده‌اند و از دریای علمت ممنوعند. الهی الهی أَحْفَظْ عَبْدَكَ بِجُودِكَ و كَرَمِكَ مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ و مِيثَاقَكَ. أَيْ رَبِّ لَا تَمْنَعْنِي عَنْ رَحِيْقِكَ الْمُخْتَوِمِ ثُمَّ آيِدْنِي عَلَى الْإِسْتِقَامَةِ الْكُبْرَى لِئَلَّا تَمْنَعْنِي عَمَائِمُ عِبَادِكَ عَنِ التَّقَرُّبِ إِلَيْكَ. إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ و فِي قَبْضَتِكَ زِمَامٌ مِّنْ فِي السَّمَوَاتِ و الْأَرْضِينَ.

(ادعیه حضرت محبوب، طبع طهران، ص ۳۱۷)

## ۲- مناجات دوم

هو الله

ای پروردگار این یاران صادق را از امتحان فارغ کن و این بندگان لائق را به عنایت خویش فائق نما. هر یک را جبل راسخ فرما و طود باذخ کن. تاج عبودیت بر سر نه و سلطنت ابدیه احسان کن؛ وسعت معیشت بخش و عزت ابدیه ارزان فرما. تویی دهنده و بخشنده و مهربان و تویی آمرزنده و پذیرنده و عزیز و مستعان. ع ع (مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء، شماره ۸۷، ص ۲۳۶)

## ۴- لوح مبارک حضرت بهاء الله

یا اسمی نامه جناب عین و طا که به آن جناب ارسال داشت در ساحت مظلوم حاضر و به اصغاء فائز. لله الحمد به نار حُبّ مشتعلند و به نور معرفت منور. از اول آیام از رَحِیقِ بیان نوشیدند. ضوضای عباد از حُبّش نکاست و غوغای آنان از توجّهش باز نداشت ... شماتت اعداء او را از افق اعلی منع نمود و سطوت معتدین از شوق و اشتیاق و جذب و انجذاب محروم نساخت ... لازال فضل حق جلّ جلاله و رحمت و عنایتش اولیائش را احاطه نموده و اعدا را به آنچه سبب نجاح است و علّت فلاح نصیحت فرموده و راه نموده. یا اسمی در عنایت حق و ظلم ظالمین تفکر نما... (مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۱۸، ص ۳۹۴)

## ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هوالبهی ای منجذب روی بهاء هرچند خانه به تالان دادی و کاشانه به تاراج، لانهات بروفتند و آشیانهات بسوختند؛ غم مخور و آزرده مشو. تو مرغ آشیانه توحیدی؛ لانه در شاخسار سدره منتهی داری و بی سر و سامان در سبیل رحمانی. خانه و کاشانه در جوار یزدان خواهی. این تالان نبود، چه که خانه را معمور و آبادان کرد؛ تاراج نبود، معراج خواهد گشت. چه که خفیف خواهی شد، لطیف خواهی شد؛ در اوج انقطاع عروج خواهی نمود. مالی که در راه حق به تالان و تاراج رفت، گنج روان خواهد شد و کنز آسمان خواهد گردید. ع ع  
(مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۸۷، ص ۲۳۷)

## ۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هوالله

ای دوست عزیز من نامه شما را به نهایت دقت قرائت نمودم و از قسم شما نهایت بشاشت حاصل گشت. لهذا جواب مرقوم میگردد. هر چند در این جهان فانی شادمانی نیافتی و کامرانی ننمودی، هیچ صبحی خفته و خندان نبودی و هیچ شامی با سر و سامان نگشتی، ولی خبر نداری که همه رفقا گرفتار این بلا. گمان مفرما که در این دنیا نفسی نفس راحتی کشید و یا دمی شبنمی از دریای راحت یافت. حوادث زمان و وقایع امکان همواره در کمین است و صیاد تقدیر و قضا گوشه نشین. با وجود این چگونه انسانی غریق آسایش و راحت گردد. علی قول شاعر پارسی:

نوک خاری نیست کز خون شهیدان سرخ نیست آفتی بود آن شکار افکن کز این صحرا گذشت

...باری الحمد لله یاران تسلی عظیم دارند و تشقی صدور در موارد بلاء عقیم، زیرا از راحت جان و کام دل در این جهان منقطعند به جهان دیگر پی برده‌اند در مورد بلا، چون الطاف جمال ابهی به خاطر آرند، هر تلخی شیرین گردد و هر سمّ نقیع شهد و انگبین شود. امیدم چنان است که دعای شما نیز مستجاب گردد؛ یارانی مبعوث گردند که هر یک شمع روشن شوند و گل گلشن گردند و در حدائق الهی بلبل معانی گردند و گلبانگ معنوی زنند و سبب انتشار نجات‌الله در آن اقطار گردند. ع ع

(مأخذ: مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء؛ شماره ۸۷، ص ۲۴۵ / بخشی از آن در جلد سوم منتخباتی از مکاتیب، ص ۷-۱۴۶ درج شده است)

## ۷-منتخباتی از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله

"صرصر امتحانات متتابعه شدیده را مقاومت نمایند و از هبوب عواصف بلایا و رزایاء متوالیه در داخل و خارج پریشان و اندوهگین و مأیوس و متزلزل نگردند. به یقین مبین بدانند که در بحبوحه انقلاب و اضطراب و اغتشاش و اعتراض و طغیان دُول و امم و قبائل و ملل، عظمت امرالله به اسباب غیبیه و وسائل غیرمنتظره عجیبه بغته جلوه نماید و قهاریت و غلبه روح نازنینش کاملاً ثابت و آشکار گردد و وحدت اصلیه، متانت اساس و علو منزلت جامعه پیروانش بر عالمیان مکشوف و مبرهن گردد. زیرا جمال ابهی حامی عدل است و ناصر حق؛ حافظ یاران راستان است و هادم بنیان ظلم و عدوان.

(توقیعات ۴۸-۱۹۲۲، ص ۲۴۲)

در بیان دیگری می فرماید:

هرچند تضییقات شدید است و موانع و مشاکل بی حدّ و شمار؛ تهدیدات دشمنان و دسائس اهریمنان متزاید و متتابع؛ ولی به وسائل غیبیه این مشاکل عدیده حلّ گردد و آنچه آمال اهل بهاء است در آن سرزمین تحقق پذیرد و اراده الله غالب و کلمه اش نافذ و قدرتش قاهر و امرش مهیمن بر کلّ بوده و هست. عنقریب ملاحظه خواهند نمود که تأییدات الهیه چه ظهور و بروزی در آن خطّه و اقلیم مقدّس خواهد نمود. (توقیعات ۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۶)

## ۸-بخشی از دستخط بیت العدل اعظم الهی مطابق با ۲۲ اردیبهشت سال ۹۱

شما طالبان ملکوت از مصائب شدیده این جهان نومید نشده به مدد اسم اعظم بر عهد و پیمان الهی استوار و در آرمان های شکوهمند و انسان دوستانه خود پایدارید و به تحقق آن اطمینانی واثق دارید. به یقین مبین می دانید که عصر حاضر دوران دگرگونی های عظیم و تحولات بنیادین است. نظام های فرسوده جهان در حال فروپاشی است و در میان تشنجات ناشی از آن، سلول های پیکر نظمی نوین در بطن عالم به تدریج تکوین می یابد. ملاحظه فرمایید که پیروان دل باخته جمال جانان، به خصوص جوانان عزیز، چگونه با شور و ایمان فراوان در اقصی نقاط جهان به کمک دوستان، هم کاران، همسایگان و خویشاوندان در دهکده ها و شهرها به ایجاد محیطی مشغولند که در آن مقدر است یک مدنیت روحانی جهانی شکوفا گردد و جوامعی را پرورش می دهند که حیاتی جدید را نوید می دهد و به عالم و عالمیان امید می بخشد. پس با ایمان و اتکای همیشگی به الطاف بی پایان حضرت یزدان به خدمات خالصانه خود ادامه دهید و همواره بیانات تسلی بخش حضرت ولی عزیز امر الله را به یاد آورید که خادمان جان فشان آیین جمال قدم را اطمینان می دهند که در این امر اعظم چنان قدرت شگرفی نهفته است که بر هر امتحان و افتتان فائق آید، از بروز مصائب و تضییقات قوتی جدید گیرد، و بر اثر هر ظلم و ستمی پیروانی تازه و نیرویی بی اندازه یابد.

## ۹- حکایت این بلایا تا کی؟ / خاطرات جناب سمندری

شنبه ۱۹ شهر جمادی‌الثانی همراه جناب میرزا یونس‌خان و جناب ضیاء افندی به منزل محمدصالح افندی رفتیم. عصر شد در خدمت جناب آقا میرزا یونس‌خان کنار دریا آمدیم. قدری راه رفته از بیانات حضرت عبدالبهاء نقل می‌کردند من جمله ذکر بلایا و شهادت و صدمات به حَسَبِ ظاهر بود که وقتی در احیان شهادت شهدای یزد، یونس‌خان حضور مبارک عرض کرده بود، "مولیٰ جان، دیگر بس نشد؟ تا چه وقت این بساط باشد؟" فرموده بودند، "جناب خان شما نمی‌دانید این مصائب و این قتل، غارت و غیره موهبت حضرت احدیت است. چه که اگر هرچندی این واقعات دست ندهد به کلی غفلت خلق را فرا می‌گیرد و احبّاء به کلی به خود مشغول شده ذکر حق و امرالله را فراموش کنند. این موهبت حضرت احدیت است." (طراز الهی، ج ۱، ص ۲۰۹)

## ۱۰- شعر شمع و پروانه / سعدی

شبی یاد دارم که چشمم نخفت	شنیدم که پروانه با شمع گفت
که من عاشقم گر بسوزم رواست	تو را گریه و سوز، باری، چراست؟
بگفت ای هوادار مسکین من	برفت انگبین یار شیرین من
چو شیرینی از من بدر می‌رود	چو فرهادم آتش به سر می‌رود
همی گفت و هر لحظه سیلاب درد	فرو می‌دویدش به رخسار زرد
که ای مدعی عشق کار تو نیست	که نه صبر داری نه یارای ایست
تو بگریزی از پیش یک شعله خام	من استاده‌ام تا بسوزم تمام
تو را آتش عشق اگر پر بسوخت	مرا بین که از پای تا سر بسوخت
همه شب در این گفت و گو بود شمع	به دیدار او وقت اصحاب، جمع
نرفته ز شب همچنان بهره‌ای	که ناگه بکشتش پری چهره‌ای
همی گفت و می‌رفت دودش به سر	همین بود پایان عشق، ای پسر
ره این است اگر خواهی آموختن	به کشتن فرج یابی از سوختن
مکن گریه بر گور مقتول دوست	قل الحمدلله که مقبول اوست
اگر عاشقی سر مشوی از مرض	چو سعدی فرو شوی دست از غرض
فدائی ندارد ز مقصود چنگ	وگر بر سرش تیر بارند و سنگ
به دریا مرو گفتمت زینهار	وگر می‌روی تن به طوفان سپار